

# مفهوم‌شناسی مشاوره دینی

علیرضا اعرافی\*

اشاره:

آنچه در زیر می‌آید، متن تحریر شده گفتار حجة الاسلام والمسلمین اعرافی در مراسم افتتاحیه همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی است که در دانشگاه آزاد اسلامی یزد و میبد ایراد شده است.

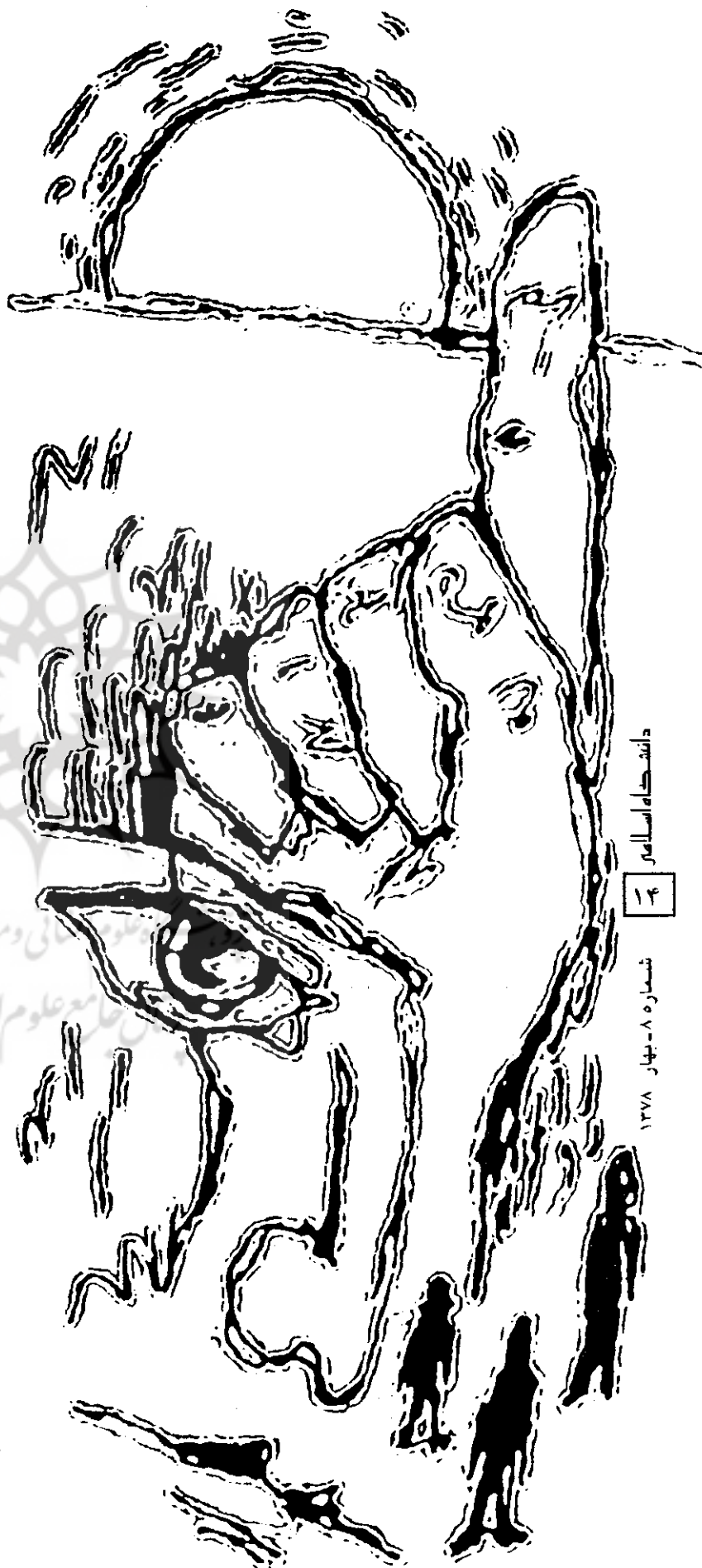
اهمیت مشاوره:

در دنیای فعلی و به دنبال تحولاتی که در علوم انسانی و به خصوص در علوم تربیتی و روان‌شناسی پدید آمده، بحث مشاوره روزه‌روز از جایگاه و ارج بالاتری برخوردار شده است. از سوی دیگر، در سنت دیرپای دینی و متون ارزشمند اسلامی ما، مشاوره به مفهوم عام آن جایگاه بسیار مهمی دارد. بحث مشاوره از جمله بحث‌های نوینی است که در علوم انسانی و روان‌شناسی و تعلیم و تربیت به صورت وسیع و گسترده به آن پرداخته‌اند و در متون اسلامی هم شاهد دستمایه و سرمایه بسیار ارزشمندی در زمینه مشاوره، به ویژه مبانی و ارزش‌های آن هستیم و علاوه بر آن در حوزه‌های دینی ما کاربرد مشاوره، سنت دیرپا و قدیمی و بسیار مهم بوده است.<sup>(۱)</sup>

موضوع سخن، «تحلیل مفهومی مشاوره دینی» است. اهمیت این موضوع از آنجاست که اولاً از نظر منطقی، تحریر محل نزاع و پرهیز از مغالطه‌ها و ابهام‌ها بر روشنی مفاهیم بحث ابتناء دارد و ثانیاً در این بحث نمونه‌های فراوانی از ابهام و اختلاط در نوشتارها و گفتارها مشاهده می‌شود، ثالثاً در مجموع کمتر بدین مهم پرداخته شده است.

نکته اول: مفهوم مشاوره

نخستین نکته، پرتوافکنی بر مفهوم «مشاوره» و ایضاح آن است، هنگامی که می‌گوییم «مشاوره دینی»، نخستین پرسشی که رویاروی ذهن قرار می‌گیرد این است که مشاوره یعنی چه؟ در پاسخ، باید به تمییز و تمایز مفهوم با مذاقه تمام، نظر افکنیم: مفهوم اول؛ مشاوره به معنای عام آن عبارت است از «بهره‌گیری از راهنمایی دیگران»؛ فرهنگ‌های لغت عرب می‌گویند: «المشاورۃ استخراج الرأی بمراجعة البعض الی البعض»<sup>(۲)</sup>، در این معنا مشاوره «مراجعة فردی به فرد دیگر به



\* حجة الاسلام والمسلمین اعرافی، مسئول دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

۱. انتظار داشتم در مجموعه مقالات یکی از فرهیختگان و اندیشمندان به بحث مشاوره در سنت حوزوی ما بپردازد که متأسفانه این کار انجام نشد و در مجموعه مقالات چنین بحثی را ندیدم. مبنی‌طور بحث «مشاوره در عرفان اسلامی» است که مبحث ارزشمندی است، در این مورد مقاله‌ای نداشتیم و جای این است که در آینده واقعاً روی آنها کار شود.

۲. المفردات فی غریب القرآن / راغب اصفهانی.



مشاور مراجعه کرده و در رابطه ویژه‌ای که بین مراجع و مشاور برقرار می‌شود، مشاور به معالجه و حل مشکل وی دست می‌بازد، نه این که صرفاً در شرایط عادی از کسی نظر خیرخواهانه بخواهد یا در امور اجتماعی و عمومی به تبادل نظر بپردازد.

مشاوره در روان‌شناسی و علوم تربیتی اصطلاح جدیدی است که اخص از دو مفهوم پیشین است. مشاوره در اصطلاح اول که عمدتاً روایات در آن زمینه وارد شده است، گرچه از نظر قلمرو اعم است اما در آن، فرض مشکل روانی نشده است و مشاور نقش معالجه‌گری مطلقاً ندارد.

با مذاقه و تأمل در تمایز مفاهیم سه‌گانه، باید از درآمیختن این مفاهیم پرهیزیم و متفطن باشیم که مشاوره در متون دینی به صورت عام به کار رفته است و دقیقاً در مورد «راهنمایی، مشاوره و روان‌درمانی» با سیاق جدید آن وارد نشده است. البته غالب نکات و معیارهای برشمرده شده و مورد تأکید در منابع اسلامی در زمینه شرایط مشاور، شاخص‌های مشاوره، قلمرو مشاوره و... به نحو عام در مبحث مشاوره هم جریان دارد، اما از تصور مترادف و همسانی این مفاهیم باید بپرهیز کرد.

به منظور جداسازی این سه معنای مشاوره بایستی تأکید شود که:

الف: مشاوره در مفهوم اول عبارت است از: «پاسخ به تقاضای اظهار نظر و رأی مراجعه‌کننده در امری از امور».

ب: مشاوره در مفهوم دوم عبارت است از: «تبادل نظر، هم‌فکری و هم‌اندیشی در مسائل و امور عمومی، اجتماعی و سیاسی».

ج: مشاوره در مفهوم سوم عبارت است از: «فعالیت معالجه‌گرانه به منظور حل مشکل روانی مراجع».

نکته دیگری که تفطن بدان سودمند است آن که عمده روایات مشاوره، به معنای اول به مفهوم عام آن اختصاص دارد. البته به شکلی معنای خاص را هم در بر می‌گیرد. این نکته بسیار مهم است که اگر بخواهیم در باب «مشاوره دینی» در هر یک از سه مفهوم آن به بحث بپردازیم باید قلمروها را جدا نماییم. بخشی از مشاوره را مبانی و اصول و بخشی را فنون و روش‌ها و بخش دیگر را ارزش‌های مشاوره تشکیل می‌دهد. این اصول سه رکن عمده مشاوره است و وقتی نظریه‌ای ارائه دهیم که هم به مبانی و اصول و هم به فنون و روش‌ها و هم به ارزش‌ها بپردازد، آن وقت می‌توانیم بگوییم به یک نظریه دست پیدا کرده‌ایم. طبعاً در راستای استنباط تئوری و نظریه

منظور کسب نظر و استفاده از رأی وی در زمینه هر امری از امور فردی، خانوادگی و اجتماعی است. ویژگی‌های این مفهوم عبارت است از:

اول: مراجعه یک سویه است، دو طرفه بودن و تبادل در آن قید نیست. دوم: مفروض این است که مراجعه‌کننده به نحوی نیازمند به نظر دیگران و خیرخواهی و راهنمایی مراجعه شده در موضوع رازینی است. سوم: مراجعه‌کننده در شرایط کاملاً طبیعی است و در جستجوی آگاهی و کسب نظر است و از نظر روحی و روانی دچار مشکل حاد روانی - به مفهوم روان‌شناختی آن - نیست. چهارم: قلمرو مشاوره، عام است و همه زمینه‌ها را شامل می‌شود. مشورت در بیشترین احادیث و روایات موجود در باب مشاوره و مشورت، به این مفهوم عام است.<sup>(۱)</sup>

مفهوم دوم؛ مشاوره به معنای «تبادل افکار، آراء و اندیشه‌ها به منظور کشف حقیقت» است. مشاوره به این معنا، در واقع، هم‌فکری و هم‌اندیشی گروهی از افراد یک جمع یا جامعه در راستای دست‌یابی به یک حقیقت و حل یک امر جمعی و اجتماعی است. این مفهوم از مشاوره، اخص از مفهوم اول است و مشخصه آن این است که اولاً، مراجعه یک سویه نیست بلکه نوعی مبادله و تعامل افراد به یکدیگر برای کشف حقیقت یا حل مشکل است و ثانیاً، قلمرو آن امر فردی و شخصی نیست بلکه امور مربوط به گروه خانواده یا جامعه در قلمرو آن قرار دارد.

این مفهوم بیانگر تبادل نظر در یک امر اجتماعی، سیاسی، عمومی جامعه توسط افراد صاحب نظر است که قلمرو آن امور اجتماعی و سیاسی و مسائل عام جامعه است.

مشاوره در این مفهوم، به معنی از یکدیگر نظر خواستن است. آیات قرآن<sup>(۲)</sup> نیز، مشاوره را بیشتر در همین مفهوم مشاوره عمومی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی و مشاوره حاکمان با مردم و مشاوره مردم با حاکمان و مشاوره مردم با مردم در حل مشکلات اجتماعی در منطقه الفراغ و دائره مباحث که حکم خاص و نص شرعی وجود ندارد مطرح کرده است.

مفهوم سوم: مشاوره در علوم جدید «فرایندی است که به منظور راهنمایی و حل مشکل مراجع در یکی از ابعاد روانی، عاطفی، تحصیلی و...» میان مراجع و مشاور برقرار می‌شود. در این مفهوم، فرض آن است که مراجع به نوعی دچار مشکل است و آن مشکل شخصیت وی را متأثر کرده و به نوعی مشکل روحی و روانی برای وی پدید آورده است. البته مشکل اگر درجه بالاتری پیدا نکند همان‌طور که در مباحث مربوط به تمایز مشاوره و روان‌درمانی گفته‌اند در حوزه روان‌درمانی قرار می‌گیرد.

بنابراین، مشاوره در جایی است که شکلی برای شخص پیدا شده و خود نمی‌تواند کاری بکند، بنابراین به

۱. ر. ک. به: بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، ج ۷۵، ص ۹۷، کتاب العشرة، باب المشورة وقبولها، ر. ک. میزان الحکمة: ماده شور.  
۲. شوری / ۳۸: و امرهم شوری بینهم. آل عمران / ۱۵۹: و مشاورهم فی الامر.

مشاوره دینی از دیدگاه اسلام، می‌بایست غیر از کلیات احادیث مشاوره - که یک مفهوم عامی را مطرح می‌کند - به بحث‌های انسان‌شناسی اسلامی و عناوینی مثل ارشاد، تعلیم و هدایت جاهل، برآوردن نیاز مؤمنان، گره‌گشایی مشکلات روحی مؤمن، احیای نفس - که شامل احیای فرهنگی و فکری شخص است - توأسی به حق، امر به معروف و تعداد دیگری از عناوین، مراجعه روشمند و مجتهدانه بنماییم و این عناوین را با انسان‌شناسی اسلامی و دیگر معارف اسلام کنار هم بچینیم تا به یک نظریه دینی و اسلامی در مشاوره برسیم.

در خور توجه است که مشاوره در اصطلاح نوین خود و به مثابه «فعالیت معالجه‌گرانه در راستای حل مشکل روانی مراجع»، در پی تحولات و تطورات جدید در قلمرو روان‌شناسی و علوم تربیتی، به تدریج چهره و صبغه علمی یافت و موضوع و سوژه یک علم شد و بدان «رشته‌ای علمی» تولد پیدا کرد، از این‌رو گاهی از این رشته و دانش به «مشاوره و راهنمایی» تعبیر می‌نماییم. مقصود از «مشاوره» در این اصطلاح عبارت است از: «دانشی که مشاوره موضوع آن است و از مبانی، اصول، فنون، روش‌ها و ارزش‌های آن، بحث می‌کند». در واقع، این «مفهوم چهارم» اساساً با مفاهیم پیشین متغیر و متمایز است، زیرا آن سه مفهوم با مغایرت‌هایی که دارا بودند، همه از امر واقع و فعالیت و فرایند خارجی و عینی حکایت داشتند و این مفهوم از مقوله «علم و دانش و معرفت» است.

#### نکته دوم: مفهوم مشاوره دینی

پس از آن که به مفهوم «مشاوره» پرداختیم و مقصود از آن را در این بحث نمایانیم و روشن شد که مفهوم سوم مراد است و نسبت آن با مفهوم عام مشاوره وضوح یافت و نیز با توجه به این نکته که منظور از دین در این بحث «اسلام» است، این پرسش مطرح می‌شود که نسبت «مشاوره» با «دین» در عبارت «مشاوره دینی» چه مفهومی را افاده می‌نماید؟ و مقصود از «مشاوره دینی» چیست؟

در این قسمت، لازم است به تدقیق و تحلیل مفهومی دست یازیم و مفاهیم گوناگونی که از این تعبیر می‌توان اراده کرد باز نمایانیم تا از ابهام‌زایی و درآمیختگی مفاهیم مصون بمانیم. به نظر می‌آید برای این واژه سه مفهوم، قابل تصور است که آنها را به ترتیب توضیح خواهیم داد:

#### مفهوم اول:

مشاوره دینی: «نظریه مکتب اسلام در باب مبانی، اهداف، اصول، فنون، روش‌ها و ارزش‌های مشاوره».

در مورد مشاوره، همان‌طور که می‌دانیم، تئوری‌ها و نظریه‌های متعدد و متنوعی پدید آمده است، این تعدد و گونه‌گونی یا نشأت یافته از دیدگاه‌های متمایز در باب «مبانی مشاوره» و طبیعت انسان و ویژگی‌های روان‌شناختی آدمی است و یا برخاسته از نظرگاه‌های متغایر در «فنون و روش‌های

مشاوره» است. طبعاً این پرسش‌ها مطرح می‌شود: اولاً: در هر یک از این موضوع‌ها آیا اسلام نقطه‌نظر ویژه‌ای دارد؟ ثانیاً: آیا در خصوص روش‌ها، در معارف دینی مطالب مهمی وجود دارد؟ چه نسبتی میان روش‌های دینی و روش‌های علم تجربی است؟ ثالثاً: آیا مجموعه گزاره‌های دینی در زمینه مبانی و مسائل مشاوره به صورت یک نظام و نظریه است؟ تا چه اندازه؟ رابعاً: بر فرض وجود این نظام و نظریه دینی در ساحت مشاوره، چه نسبتی میان آن و دیگر نظریه‌هاست؟

تحقیق به منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها، پژوهشی ارزشمند است مشروط بر آن که در تحقیق به دام اختلاط مفاهیم فرو نیفتاد و به صورتی روشمند و مجتهدانه دست به تأمل زد. متأسفانه آنچه تاکنون انجام یافته است غالباً استخراج گزاره‌های پراکنده از منابع و متون دینی و احیاناً آمیخته با خلط مفاهیم توضیح داده شده، بوده است.

#### مفهوم دوم:

این مفهوم عبارت است از: «کاربرد فنون، روش‌ها و تکنولوژی مشاوره علمی در راستای اهداف دینی و حل مشکلات اخلاقی، معنوی و دینی». در این مفهوم منظور این است که ما مشاوره و فنون مشاوره را از علم می‌گیریم. علم با تحولات و با گسترش خودش، طبعاً به شیوه‌ها و فنون فراوان در باب مشاوره رسیده که همه آنها هم ارزشمند است و هم تجربه‌گران قدر بشری محسوب می‌شود. بنابراین، «مشاوره دینی» به این مفهوم «به کارگیری اصول و فنون علمی مشاوره در فضای دینی و در قلمرو مشکلات دینی» است.



یعنی در واقع فنون و روش‌ها و چیزهایی را که در علم مشاوره وجود دارد، در خدمت دین قرار می‌دهیم و برای حل مشکلات دینی و اخلاقی جامعه و نسل جوان از فنون موجود در علم و دانش بشری بهره می‌گیریم. این یک امر دیگری است که هم جنبه نظری و هم جنبه علمی دارد. پرسش مهم این است که ما چگونه می‌توانیم از فنون، اصول، روش‌ها و شیوه‌های علمی در باب مشاوره - که روزه‌روز هم بر آن افزوده می‌شود و انبوهی از معرفت بشری در اینجا وجود دارد - در باب مشکلات و مسایل اخلاقی و دینی جامعه بهره ببریم؟ و چه خدمتی از این فنون و روش‌ها و سرمایه بشری، در ساحت دین و در ارتباط با دین برمی‌آید؟

**مفهوم سوم:**

مشاوره دینی در مفهوم سوم آن به معنی: «کاربرد اجزاء و پاره‌هایی از معارف و مناسک و شعائر و ایمان دینی در حل مشکلات روانی مراجع» است. در این مفهوم به «نظریه مشاوره در اسلام» و به «خدمت‌رسانی مشاوره علمی به دین» که در مفاهیم اول و دوم به آن پرداختیم کار نداریم بلکه آنچه که حائز اهمیت است آن است که اصولاً در مشاوره روش‌هایی وجود دارد و یکی از روش‌های مشاوره چه در امور تحصیلی، شغلی، اخلاقی، عاطفی، روحی و خانوادگی، استفاده از روش‌های دینی و مذهبی است و سؤال این است که آیا دین و معارف و مناسک آن می‌تواند روشی برای حل و درمان مشکلات مختلف روانی بشر باشد؟ و اگر پاسخ به این پرسش مثبت است، از کدام اجزاء دین می‌توان در فضای مشاوره استفاده کرد؟ و در واقع، دین و معارف دینی چه خدمتی می‌تواند به امر مشاوره ارائه دهد؟ به طور مثال، دعا، نیایش یا ایمان و عشق الهی چه جایگاهی می‌توانند در مشاوره داشته باشند؟

بنابراین، وقتی که بحث از «مشاوره دینی» می‌شود یکی از این سه معنا را می‌توانیم اراده بکنیم:

معنای اول: نظریه و تئوری مشاوره در اسلام با قطع نظر از قلمرو آن.

معنای دوم: «کاربرد روش‌های مشاوره علمی در حل مشکلات دینی».

معنای سوم: «کاربرد پاره‌ای از معارف و مناسک و آموزه‌های دینی و اخلاقیات و شاخص‌های دینی به عنوان یک روش در مقام مشاوره».

این سه مفهومی است که برای مشاوره دینی می‌توان اراده کرد. البته شاید مفاهیم دیگری هم بتوان بیان کرد.

**نکته سوم: آمیختگی نظریات با ارزش‌ها و مبانی**

**تحلیلی و نظری**

نکته سومی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که تئوری‌ها و نظریه‌های مشاوره، هرگز امور محض تجربی نیستند بلکه همه تئوری‌ها و نظریه‌های مشاوره که در فرهنگ غربی

تولد یافته، به سه رکن تقسیم می‌شوند این ارکان عبارتند از: ۱ - مبانی و اصول، ۲ - فنون و روش‌ها، ۳ - ارزش‌ها، روشن است که تنها در بخش فنون و روش‌ها است که تا حدی دید علمی و تجربی وجود دارد. بنابراین، می‌توانیم از آن استفاده کنیم اما پاره‌های مهمی از تئوری و نظریه مشاوره جنبه فرهنگی، نظری، تحلیلی و ارزشی دارد و لذا هرگز نباید گمان برد که مشاوره یک علم است و علم هم همگانی است.

اکنون متفکران غربی نیز در تئوری‌ها و نظریات علمی از مطلق‌انگاری دست برداشته‌اند. ما نیز مطلق‌انگاری در تئوری‌های مشاوره را نمی‌پذیریم بلکه با افزودن دیدگاه‌های نظری تحلیلی و ارزشی فرهنگ خودمان، می‌توانیم به یک نظریه دقیق و اصیل برسیم.

البته بسط این مقال مجال بیشتری می‌طلبد، اما به اجمال می‌توان گفت که دیدگاه‌های کلی در باب نسبت میان علم و دین در این مبحث نیز ساری و جاری است. اهم آن دیدگاه‌ها عبارت است از:

۱: تباین کلی قلمرو، با این تقریب که همان طور که روش‌های معرفتی علم و دین متفاوت است، زبان آن دو متمایز و قلمروهای آن نیز متمایز است.

۲: انطباق کلی؛ بدین معنا که در اسلام هر آنچه که از علم انتظار می‌رود منطقی و متحقق است و باید آن را استکشاف کرد.

۳: انطباق جزئی؛ در این منظر علم و دین دارای قلمروها و موضوعات ویژه خود می‌باشند و در عین حال دارای قلمروهای مشترکی هم هستند، در این قلمرو مشترک، این دو منبع معرفتی یکی از سه حالت ذیل را دارا هستند:

الف) تأیید متقابل، ب) تکمیل، ج) تعارض

به نظر می‌رسد دیدگاه سوم، قابل دفاع است و در باب مشاوره هم می‌توان آن را به کار بست و توضیح داد که بخش‌هایی از مبانی ارزشی مشاوره در قلمرو معرفت دینی قرار دارد و در باب روش‌ها، شیوه‌ها و فنون مواردی است که صرفاً در «علم» مطرح است و دین در آن موارد ساکت است و مواردی هم مورد تلاقی و تداخل است. البته یافته‌های علمی در باب فنون و روش‌ها با ملاحظاتی می‌تواند مورد تأیید عام و کلی دین قرار گیرد.

امید است که مشاوره دینی جایگاه واقعی خودش را پیدا کند. از یک سو با نگاه دینی و اسلامی به این بحث مهم و ارزشمند، تحقیق و پژوهش جدیدی شود و از سوی دیگر، در سطح عموم مورد اقبال و استقبال جامعه قرار گیرد و بویژه در مراکز علمی از جمله دانشگاه و آموزش و پرورش به مبحث مشاوره که موضوع مورد نیاز آنها است با نگرش اسلامی اهتمام ورزیده شود و این گام‌ها تداوم یابد و زمینه‌ای برای مذاقه و تأمل بیشتر و راهگشایی‌های ارزنده‌تر باشد.

